

سفینه شاه همدان:

معرفی نسخه خطی مجموعه آثار میرسیدعلی همدانی

محمد سوری

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی / soori@isca.ac.ir

سید رضا باقریان موحد

دبیر ادبیات فارسی، مؤلف و پژوهشگر / fekravar@gmail.com



چکیده

در کتابخانه شهیدعلی پاشا در استانبول نسخه‌ای خطی وجود دارد که - احتمالاً مانند بسیاری دیگر از نسخه‌های گرانهای موجود در کتابخانه‌های ترکیه - در دوران عثمانی‌ها از ایران به آن سامان برده شده است. این نسخه، که به شماره ۱۷۹۴ ثبت شده است، ۷۶۲ برگ دارد (۱۵۲۴ صفحه) و در حدود سال‌های ۸۹۹ تا ۹۰۱ قمری در کنار بارگاه منور حضرت سلطان الاولیاء امام علی بن موسی الرضا علیه السلام کتابت شده است. این نسخه پربرگ، که ما آن را سفینه شاه همدان نامیده‌ایم، سی‌وهشت کتاب و رساله را دربردارد. از این میان، سی‌وهفت کتاب و رساله از آثار میرسیدعلی همدانی است و یک رساله نوشته نورالدین جعفر بدخشی از شاگردان میرسیدعلی همدانی به نام خلاصه المناقب. کاتب نسخه عبداللطیف قلندر بن عبدالله بن خضر سبزواری نام دارد. در نوشته حاضر ابتدا میرسیدعلی همدانی و آثار او را به اختصار معرفی کرده‌ایم و سپس رساله‌های موجود در این نسخه خطی را.^۱

۱. نگاهی کوتاه به زندگی و احوال میرسیدعلی همدانی

علی ثانی، شاه همدان، امیر کبیر «سیدعلی بن شهاب‌الدین بن محمد بن علی بن یوسف بن شرف بن محب‌الله محمد ثانی بن جعفر بن عبدالله بن محمد بن حسن بن حسین بن جعفر بن حجر بن عبدالله زاهد بن حسین اصغر بن امام زین‌العابدین علی بن امام حسین بن امام علی بن ابی‌طالب علیهم‌السلام»^۲ معروف به میرسیدعلی همدانی یکی از بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین صوفیان در طول تاریخ است.

وی در روز دوشنبه ۱۲ رجب سال ۷۱۴ ق در خانواده‌ای معتبر از سادات در شهر همدان به دنیا آمد. پدرش شهاب‌الدین در دستگاه حاکمه همدان جاه و جلالی داشت و فرزندش با فراغ بال به درس و بحث مشغول شد. میرسیدعلی همدانی از کودکی زیر نظر دایی‌اش سیدعلاءالدین همدانی پرورش یافت و از طریق او به شرف‌الدین محمود بن عبدالله مزدقانی رازی (ف ۷۶۱ یا ۷۶۶ ق)^۳، از مشایخ طریقت کبرویه و اهل مزدقان، روستایی در نزدیکی ساوه که امروزه به مزلقان معروف است، دست ارادت داد و در سفرهای شیخ همراه او بود. البته پیش از پیوستن به شرف‌الدین مزدقانی، میرسیدعلی همدانی سال‌ها در همدان خدمت شیخ ابوالبرکات تقی‌الدین اخی علی دوستی را نیز درک کرده بود و تا هنگام درگذشت او میان مزدقان و همدان در جابه‌جایی بود و هم‌زمان از مزدقانی و اخی علی دوستی بهره‌مند می‌شد، ولی پس از درگذشت اخی علی در سال ۷۳۲ ق یکسره به خدمت مزدقانی درآمد.

میرسیدعلی همدانی در دو جا از آثار خود (رساله داوودیه و رساله سلسله اولیاء)^۴ فهرست مشایخ طریقتی خود را به ترتیب معرفی کرده است، ولی در طبقات بالای سلسله میان این دو فهرست اختلاف‌هایی وجود دارد. در رساله داوودیه نام‌های مشایخ از این قرار است: شرف‌الدین مزدقانی، علاءالدوله سمنانی (ف ۷۳۶)، نورالدین عبدالرحمان اسفراینی کسرقی (ف ۷۱۷)، جمال‌الدین احمد گورپانی / جورفانی (ف ۶۶۹)، رضی‌الدین علی لالا غزنوی (ف ۶۴۲)، نجم‌الدین کبری (ف ۶۱۸)، عمار یاسر بدلیسی (ف حدود ۵۹۰ تا ۶۰۴)، ابونجیب عبدالقاهر بن عبدالله سهروردی (ف ۵۶۳)، خواجه احمد غزالی (ف ۵۱۷)، ابوبکر بن عبدالله نساج طوسی (ف ۸۴۷)، عبدالله بن علی طوسی معروف به ابوالقاسم کرگان (ف ۴۵۰)، [ابوعثمان مغربی قیروانی (ف ۳۷۳)، ابوعلی کاتب (ف ۳۴۳)، ابوعلی رودباری (ف ۳۲۲)]^۵ ابوالقاسم جنید بغدادی (ف ۲۹۷)، سری سقّطی (ف ۲۵۳)، معروف کرخی (ف ۲۰۰)، داوود بن نصیر طایی (ف ح ۱۶۵)، حبیب عجمی (ف ح ۱۵۶)،

حسن بصری (ف ۱۱۰)، امیرالمؤمنین علیه السلام، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم.

و اما در رساله سلسله اولیاء نام‌های مشایخ چنین آمده است: شرف‌الدین مزدقانی، علاءالدوله سمنانی، نورالدین اسفراینی کسرقی، جمال‌الدین احمد گورپانی / جورفانی، رضی‌الدین علی لالا غزنوی، نجم‌الدین کبری، عمار یاسر بدلیسی، ابونجیب سهروردی، خواجه احمد غزالی، ابوبکر نساج طوسی، ابوالقاسم کرگان، ابوعثمان مغربی قیروانی، ابوعلی کاتب، ابوعلی رودباری، جنید بغدادی، سری سقّطی، معروف کرخی، امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، امام موسی کاظم علیه السلام، امام جعفر صادق علیه السلام، امام محمد باقر علیه السلام، امام زین‌العابدین علیه السلام، امام حسین علیه السلام، امیرالمؤمنین علیه السلام، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم.

دوگونگی در نام‌های مشایخ - که حد فاصل میان معروف کرخی تا امیر مؤمنان علیه السلام در برخی سلسله‌ها نام مبارک امامان علیهم السلام قرار دارد و در برخی دیگر از سلسله‌ها نام سه تن از مشایخ (داوود طایی، حبیب عجمی، حسن بصری) - نتیجه تحولاتی است که طریقت‌های عرفانی در نزدیک شدن به اهل بیت از سر گذرانده‌اند و به تدریج نام‌های امامان علیهم السلام را جایگزین نام‌های دیگر مشایخ کرده‌اند.

افزون بر مشایخ طریقت، میرسیدعلی همدانی

آثار میرسیدعلی همدانی در طول نزدیک به هفتصد سال که از تاریخ تألیف آن‌ها می‌گذرد، جزء پرتعدادترین آثار عرفانی بوده است و به همین سبب است که نسخه‌های خطی بی‌شمار از آن‌ها باقی مانده است. افزون بر این، یکی از نشانه‌های محبوبیت آثار همدانی این است که کاتبان نسخه‌ها ده‌ها «مجموعه آثار» از نوشته‌های او فراهم آورده‌اند.

در خرقه فتوت نیز دارای سلسله‌ای است که خود در رساله فتوتیه (تصحیح محمد ریاض، در: احوال و آثار و اشعار میرسیدعلی همدانی با شش رساله از وی، ص ۳۶۴-۳۶۵) آنان را چنین معرفی کرده است: نجم‌الدین ابوالمیا من محمد بن محمد اذکانی / اذکانی (ف ۷۷۸)، شمس‌الدین محمد بن جمال، نورالدین سالار، رضی‌الدین علی لالا غزنوی، نجم‌الدین کبری، اسماعیل قصری، محمد مانکیل / مالکیل، خادم الفقراء داوود بن محمد، ابوالعباس بن ادريس، ابوالقاسم بن رمضان، ابویعقوب طبری، ابوعبدالله عمر بن عثمان، ابویعقوب نهرجوری (ف ۳۳۰)، ابویعقوب سوسی / شوشی، عبدالواحد بن زید (ف ۱۷۷)، کمیل بن زیاد نخعی (شهادت به سال ۸۲)، امیرالمؤمنین علیه‌السلام، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم. برخی از افراد این سلسله را در متون تاریخی نیافتیم.

میرسیدعلی همدانی علاوه بر اینکه در میان همه صوفیه از احترام برخوردار بوده و هست، همانطور که در سلسله بالا مشاهده می‌کنیم، هفتمین فرد از مشایخ بزرگ سلسله کبرویه نیز به شمار می‌رود (نجم‌الدین کبری ← رضی‌الدین علی لالا ← جمال‌الدین احمد گورپانی ← نورالدین اسفراینی کسرقی ← علاءالدوله سمنانی ← شرف‌الدین مزدقانی ← میرسیدعلی همدانی) و به‌ویژه نوربخشیان و تاحدودی‌ذهبیان، که هر دو منشعب از کبرویه هستند، او را مقتدای اصلی خود در طریقت می‌دانند.

میرسیدعلی همدانی، هم‌چون بسیاری از صوفیان، بخش زیادی از دوران جوانی و میانسالی عمر خود را در سفر گذراند و بیشتر سرزمین‌های اسلامی آن عصر را درنوردید و در سیر و سلوک خود از این سفرها توشه برداشت. بر اساس نوشته‌های میرسیدعلی همدانی و نویسندگان دو رساله خلاصه‌المناقب و مستورات، برخی از شهرهایی که همدانی یک یا چند بار به آن‌ها سفر کرده عبارت است از: مزدقان، طوس (مشهد مقدس)، بلخ، بخارا، شیراز، یزد، بغداد، بدخشان، دمشق، ختلان (کولاب)، لداخ (تبت)، سراندیپ (سریلانکا)، قبیچاق (در ترکستان)، شهرهای مختلف کشمیر، مکه، مدینه، مسجدالاقصی. او حدود بیست سال میان همدان و شهرهای دیگر در حضر و سفر بود و هرگاه که از سفری برمی‌گشت مدتی کوتاه در همدان می‌ماند و دوباره بار سفر می‌یست. در میان سرزمین‌های گوناگونی که در این مدت طولانی دیده بود، بیش از همه ختلان (کولاب) دل و جان میرسیدعلی را ربوده بود و در نهایت در حدود سال ۷۵۶

به ختلان رفت و تا آخر عمر حدود سی سال آنجا را محل اقامت دائم خود قرار داد. البته وی کم‌وبیش به سفرهای مختلف، و به‌ویژه شهرهای کشمیر هم‌چون بلتستان و گلگیت، می‌رفت و گاه آنجا می‌ماند ولی دوباره به ختلان بازمی‌گشت. اقامت میرسیدعلی همدانی در ختلان و کشمیر و سلوک عارفانه او در تبلیغ دین باعث شد که بخش زیادی از مردم آن سرزمین به اسلام و تشیع بگردند. هم‌چنین آثار او نقش برجسته‌ای در ترویج زبان فارسی و گسترش آن در آنجا داشت. همدانی سرانجام در روز پنجشنبه ۶ ذی‌حجه ۷۸۶ در کَنَر (در افغانستان امروزی) از دنیا رفت. جنازه او را با تجلیل و احترام به ختلان (کولاب) بردند و در جایی که امروزه آرامگاه او و مهم‌ترین زیارتگاه تاجیکستان است به خاک سپردند. امروزه بسیاری از شیعیان نوربخشی در پاکستان و هندوستان خود را از پیروان میرسیدعلی همدانی می‌دانند.

مهم‌ترین منابع درباره شرح احوال میرسیدعلی همدانی دو رساله کهن است از شاگردان و پیروان مکتب او: نخست رساله خلاصه المناقب نوشته نورالدین جعفر بدخشی (ف ۷۹۷) و دیگری رساله مستورات یا منقبت‌الجواهر از حیدر بدخشی. رساله جعفر بدخشی با این مشخصات منتشر شده است: خلاصه المناقب در مناقب میرسیدعلی همدانی، به تصحیح سیده اشرف ظفر، چاپ اول: اسلام‌آباد،

”

آثار میرسیدعلی همدانی در طول نزدیک به هفتصد سال که از تاریخ تألیف آن‌ها می‌گذرد، جزء پرفرودارترین آثار عرفانی بوده است و به همین سبب است که نسخه‌های خطی بی‌شمار از آن‌ها باقی مانده است. افزون بر این، یکی از نشانه‌های محبوبیت آثار همدانی این است که کاتبان نسخه‌ها ده‌ها «مجموعه آثار» از نوشته‌های او فراهم آورده‌اند.

“

مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۷۴ ش. رساله مستورات را محمد رمضان ضیاء رانا در سال ۱۳۵۴ ش به عنوان رساله دکتری در دانشگاه تهران تصحیح کرده است (محمد ریاض، احوال و آثار و ...، ص ۲۷)، ولی متأسفانه به این تصحیح دسترسی حاصل نشد. چاپ دیگری از این رساله در سال‌های اخیر انجام شده است: منقبت‌الجواهر در شرح احوال میرسیدعلی همدانی، تصحیح اکرم آقاجانلو، تهران: انتشارات طهوری، ۱۴۰۰.

نورالدین جعفر بدخشی، که یکی از نزدیک‌ترین شاگردان و مریدان میرسیدعلی همدانی به شمار می‌رفته است، به مدت چهارده سال تا آخرین روزهای زندگی همدانی در خدمت او شاگردی کرده و به سیر و سلوک سرگرم بوده است. به نظر می‌رسد که بدخشی، پس از درگذشت همدانی، بلافاصله تألیف خلاصه‌المناقب را آغاز کرده باشد، چرا که در اواخر صفر سال ۷۸۷، یعنی حدود دو ماه پس از درگذشت میرسیدعلی همدانی، در خانقاه اعظم ختلان از تألیف کتاب فراغت یافته است. و اما حیدر بدخشی نویسنده رساله مستورات از مریدان سیدعبدالله بُرزش‌آبادی مشهدی (ف ۸۷۲)، بنیانگذار طریقت ذهبیه، بوده و در رساله خود افزون بر اقتباس از خلاصه‌المناقب، مطالب تازه‌ای را نیز اضافه کرده است.

از این دو رساله مستقل که بگذریم، تقریباً در همه کتاب‌هایی که به شرح احوال مشایخ صوفیه پرداخته‌اند و نیز منابع کتاب‌شناسانه معاصر، شرح احوال میرسیدعلی همدانی به‌اختصار یا به‌تطویل ذکر شده است که البته بیشتر مطالب آن‌ها عمدتاً تکرار مطالب دو رساله بالا است. استاد پرویز اذکایی این منابع را فهرست کرده است (رک: اذکایی، شاه همدان، ص ۸-۲۱).

۲. آثار میرسیدعلی همدانی

میرسیدعلی همدانی نویسنده‌ای چیره‌دست بود و کتاب‌ها و رساله‌های پُرشماری از او باقی مانده است. تا کنون چهار فهرست از آثار میرسیدعلی همدانی فراهم آمده است:

- (۱) سید محمود انواری در مقاله «میرسیدعلی همدانی و تحلیل آثار او» (نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، شماره ۱۲۳، پاییز ۱۳۵۶ ش، ص ۲۹۷-۳۶۳) ۳۳ اثر فارسی و ۹ اثر عربی از نوشته‌های میرسیدعلی همدانی را به‌اختصار معرفی کرده است.
- (۲) محمد ریاض خان در کتاب احوال و آثار و اشعار میرسیدعلی همدانی (ص ۹۱-۲۲۵)

به تفصیل از ۴۷ اثر فارسی و ۲۱ اثر عربی سخن گفته و نسخه‌های خطی و چاپی هر یک را معرفی کرده است. هم‌چنین انتساب ۷ رساله به میرسیدعلی همدانی را اشتباه دانسته است.

(۳) پرویز اذکایی در کتاب *شاه همدان* (ص ۱۱۹-۱۸۰) بحثی مفصل و مفید درباره آثار میرسیدعلی همدانی ارائه کرده است. به نظر وی، از میان ۹۹ اثری که بررسی کرده است، انتساب ۸۱ اثر به میرسیدعلی همدانی درست و انتساب ۱۸ عنوان نادرست است.

(۴) مصطفی درایتی در *فهرست فنخا* (ج ۳۶، ص ۱۰۰۰-۱۰۰۲) تعداد ۱۰۷ عنوان از آثار میرسیدعلی همدانی را فهرست کرده و در مطاوی کتاب، که به صورت الفبایی تنظیم شده است، درباره هر یک از آثار توضیحی مفید داده و نسخه‌های خطی و گاه چاپی آن را نیز معرفی کرده است.

از مجموع این فهرست‌ها به دست می‌آید که آثار میرسیدعلی همدانی در طول نزدیک به هفتصد سال که از تاریخ تألیف آن‌ها می‌گذرد، جزء پرتعدادترین آثار عرفانی بوده است و به همین سبب است که نسخه‌های خطی بی‌شمار از آن‌ها باقی مانده است. افزون بر این، یکی از نشانه‌های محبوبیت آثار همدانی این است که کاتبان نسخه‌ها ده‌ها «مجموعه آثار» از نوشته‌های او فراهم آورده‌اند؛ از جمله نسخه خطی کتابخانه شهیدعلی پاشا.

۳. معرفی نسخه خطی «سفینه شاه همدان»

نسخه خطی کتابخانه شهیدعلی پاشا، که ما آن را *سفینه شاه همدان*، نامیده‌ایم، یکی از بهترین مجموعه‌هایی است که از آثار میرسیدعلی همدانی فراهم آمده است و گویا کهن‌ترین مجموعه در میان آثار همدانی باشد. در *سفینه شاه همدان* ۳۷ کتاب و رساله از تألیفات میرسیدعلی همدانی درج شده است و در انتهای آن رساله خلاصه المناقب نوشته نورالدین جعفر بدخشی کتابت شده است. کاتب مجموعه «عبداللطیف قلندر بن عبدالله بن خضر سبزواری» نام دارد و کتابت این مجموعه عظیم را در طول حدود سه سال، از سال ۸۹۹ تا سال ۹۰۱، به انجام رسانده است. قلندر سبزواری در مشهد مقدس در جوار بارگاه امام رضا علیه السلام این رساله‌ها را کتابت کرده است و این مسئله بر اهمیت این مجموعه افزوده است. از تاریخ‌های کتابت که در پایان چهار رساله وجود دارد (رساله‌های ۷ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸) به دست می‌آید که گویا پاره‌ای از

رساله‌ها ابتدا جداگانه کتابت شده و در نهایت در صحافی همه رساله‌ها کنار هم قرار گرفته‌اند. به همین سبب تاریخ‌های کتابت پشت سر هم قرار نگرفته است.

یادداشت تملُّکی که در ابتدای مجموعه وجود دارد، نشان می‌دهد که این نسخه بعد از اینکه از ایران خارج شده نخست از آن یکی از عالمان مکه مکرمه به نام «عناية الله احمد بن محمد» بوده است. متن یادداشت تملُّک وی از این قرار است: «أَحْمَدُ اللَّهِ لَا إِلَهَ سِوَاهُ. انْتِظِمَ فِي سِلْکِ مَلْکِي، وَانْخَرَطَ فِي سِمَطِ ضَبْطِي، وَأَنَا الْعَبْدُ الْفَقِيرُ إِلَى رَحْمَةِ رَبِّهِ الْقَدِيرِ عِنَايَةَ اللَّهِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَفَا عَنْهُمْ الرَّحِيمُ الصَّمَدُ، خَادِمُ الشَّرْعِ الْمُبِينِ بِالْبَلَدِ الْحَرَامِ وَالْأَمَانِ مَكَّةَ الْمَعْظَمَةِ لَا زَالَتْ مُشْرِفَةً مَكْرَمَةً آمِينَ.»

این نسخه خطی بعدها در تملُّک شهید علی پاشا (ف ۱۱۲۸) صدراعظم قدرتمند و فرهنگ‌دوست عثمانی درآمده و جزء موقوفات وی در کتابخانه‌اش قرار گرفته است. مهر وقف در ابتدا و انتهای نسخه (ص ۱ و ۱۵۲۲) وجود دارد، با این متن: «مِمَّا وَقَفَهُ الْوَزِيرُ الشَّهِيدُ عَلِي پاشا رحمه الله تعالى بشرط أن لا يخرج من خزائنه».

به جز این دو نشانه تملُّک، یادداشت کوتاه دیگری نیز وجود دارد که در دو جای نسخه (ص ۱۴۰ و ۵۹۲) تکرار شده است. متن یادداشت چنین است: «وقف محمد الأفقر أمين الدفتر». آیا پیش از آنکه نسخه در اختیار عناية الله احمد بن محمد یا شهید علی پاشا قرار گیرد، از آن شخص دیگری بوده است؟ پاسخ روشنی برای این پرسش نداریم.

هم‌چنین در ابتدای نسخه (ص ۱)، در پایین صفحه، این بیت منسوب به عطار (پندنامه، ص ۲۵) را نوشته‌اند:

با دلِ فارغ چو باشی تن‌درست دیگر از دنیا نباید هیچ جست

۴. معرفی رساله‌های «سفینه شاه همدان»

گفتیم که در سفینه شاه همدان ۳۷ کتاب و رساله از تألیفات میرسیدعلی همدانی درج شده است. در اینجا این رساله‌ها را به ترتیب معرفی کرده‌ایم و در این معرفی از چهار منبع بالا (پرویز اذکابی، شاه همدان؛ سید محمود انواری، «میرسیدعلی همدانی و تحلیل آثار او»؛ محمد ریاض خان، احوال و آثار و اشعار میرسیدعلی همدانی؛ درایتی، فنخا) بهره فراوان برده‌ایم و از مؤلفان آن‌ها

سپاسگزاریم. در این معرفی، گاه بر اساس منابع مختلف پاره‌ای اشتباهات یا اطلاعات نادرست را اصلاح کرده‌ایم. در مجموع به نظر می‌رسد با وجود پژوهش‌هایی که تاکنون صورت گرفته است، بررسی نسخه‌شناسانه آثار میرسیدعلی همدانی و تصحیح انتقادی این آثار هنوز در مرحله آغازین خود به سر می‌برد و نیاز به کوششی فراتر دارد.

(۱) **سبعین مناقب در فضایل امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب کرم الله وجهه (ص ۱-۴۶)**^۶
این رساله به نام *السبعین فی فضائل امیر المؤمنین* نیز در نسخه‌های خطی ثبت شده است. میرسیدعلی همدانی در این رساله هفتاد حدیث در فضایل امیرالمؤمنین علیه‌السلام روایت کرده و هر حدیث را با یکی از کلمات قصار آن حضرت مزین کرده است. این رساله را محمد ریاض خان تصحیح و در مجموعه احوال و آثار و اشعار میرسیدعلی همدانی (ص ۵۰۱-۵۲۲) منتشر کرده است. هم‌چنین عالمی ناشناخته این رساله را به فارسی ترجمه و شرح کرده است (فنخا، ج ۱۷، ص ۹۳۷).

(۲) اسرار وحی (ص ۴۹-۱۲۰)

این رساله، که به تصریح کاتب در تاریخ ۹ ذی‌قعدة ۸۹۹ کتابت شده است، شرحی عرفانی است بر حدیثی قدسی خطاب به پیامبر (ص) که فقرات حدیث با عبارت «یا احمد» آغاز می‌شود. سید محمود انواری و پرویز اذکایی انتساب این رساله به میرسیدعلی همدانی را بعید می‌دانند و محمد ریاض به قطع می‌گویند که این رساله از عزیز نسفی (ف ح ۷۰۰) است، در حالی که نجیب مایل هروی (مجموعه رسائل فارسی، دفتر پنجم، ص ۲۲) اصرار دارد که رساله از میرسیدعلی همدانی است. رساله *اسرار وحی* با انتساب به عزیز نسفی با این مشخصات تصحیح و منتشر شده است: «اسرار الوحی»، تصحیح مهری معصومی، در مجموعه *رسائل فارسی*، دفتر پنجم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۷-۱۱۰.

(۳) چهل حدیث در باب فقرا (ص ۱۲۱-۱۳۸)

همان‌طور که می‌بینیم، رساله‌های سوم و چهارم و پنجم از *سفینه شاه همدان* «چهل حدیث» است.

«چهل حدیث» یا «اربعین» عنوان عام کتاب‌هایی است که در آن‌ها چهل حدیث در موضوعی خاص روایت و اغلب شرح می‌شد. این سنت که دست‌کم از سده دوم هجری تا کنون میان عالمان مسلمان رواج داشته است، بر پایه حدیثی از رسول خدا (ص) شکل گرفته است. در این حدیث، که با عبارت‌های گوناگون روایت شده است و بسیاری از حدیث‌شناسان آن را حدیثی ضعیف به شمار آورده‌اند، رسول خدا فرموده است: «مَنْ حَفِظَ عَلَيَّ أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا يَنْتَفِعُونَ بِهَا بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَقِيهًا عَالِمًا»، یعنی هرکس چهل حدیث حفظ کند که برای امت من سودمند باشد، خداوند در روز قیامت او را فقیه و دانشمند مبعوث می‌کند (رک: ابن جوزی، *العلل المتناهية*، ج ۱، ص ۱۲۹). صوفیان نیز از جمله کسانی بودند که در این خصوص آثار مهمی و متعددی را تألیف کرده‌اند، هم‌چون کتاب *الأربعين للصوفية* از ابو عبد الرحمن سلمی نیشابوری (رک: *مجموعه آثار ابو عبد الرحمن سلمی*، ج ۳، ص ۲۷۵-۳۱۵) و کتاب *الأربعين في شيوخ الصوفية* از ابوسعید مالینی (به تصحیح عامر حسن صبری، بیروت: دار البشائر الإسلامية، ۱۹۹۷/۱۴۱۷) و *أحاديث الأربعين* از ابومنصور اصفهانی (رک: *مجموعه آثار ابومنصور اصفهانی*، در دست انتشار). میرسیدعلی همدانی نیز در این موضوع دست‌کم سه رساله نوشته است: رساله‌های

”

نسخه خطی کتابخانه شهید علی پاشا، که ما آن را سفینه شاه همدان، نامیده‌ایم، یکی از بهترین مجموعه‌هایی است که از آثار میرسیدعلی همدانی فراهم آمده است و گویا کهن‌ترین مجموعه در میان آثار همدانی باشد.

“

سوم و چهارم و پنجم از سفینه شاه همدان. این رساله‌ها با نام‌های گوناگونی گزارش شده‌اند و در متن آن‌ها نیز، در نسخه‌های خطی، تفاوت‌هایی دیده می‌شود. به نظر می‌رسد، بررسی و مقایسه این رساله‌ها نیاز به پژوهشی مستقل دارد. رساله حاضر (چهل حدیث در باب فقرا) تنها در فهرست پرویز اذکایی ذکر شده است. سید محمود انواری و محمد ریاض تنها یک «چهل حدیث» را معرفی کرده‌اند (با عنوان «اربعین امیریه» یا «چهل حدیث جواهر عقود ایمان») که آن رساله هیچیک از سه رساله ما نیست.

(۴) چهل حدیث دیگر / اربعین اللثالی (ص ۱۳۹-۱۵۰)

رک: توضیح مربوط به رساله سوم (چهل حدیث در باب فقرا).

(۵) چهل حدیثی دیگر (ص ۱۵۱-۱۶۳)

رک: توضیح مربوط به رساله سوم (چهل حدیث در باب فقرا).

(۶) مکتوب به یکی از طالبان راه و سالکان آگاه (ص ۱۶۴-۱۶۸)

میرسیدعلی همدانی این نامه مختصر را به زبان عربی خطاب به یکی از مریدانش نوشته است. آنچه درباره «چهل حدیث»‌های میرسیدعلی همدانی گفتیم، درباره مکتوبات او نیز صادق است. با توجه اینکه نزدیک به چهل نامه او میرسیدعلی باقی مانده و این نامه‌ها بارها در نسخه‌های خطی به صورت تکی یا مجموعه‌ای کتابت شده است، لازم است همه نسخه‌های موجود از نامه‌ها با یکدیگر مقایسه شود و تعداد دقیق آن‌ها مشخص گردد. نامه حاضر در فنخا (ج ۳۱، ص ۳۶۶) به عنوان اولین نامه از مجموعه مکتوبات همدانی معرفی شده است. به نظر می‌رسد این نامه عربی تاکنون منتشر نشده باشد.

(۷) ذخیره الملوک (ص ۱۷۱-۵۵۳)

سیاست‌نامه ذخیره الملوک، که موضوع آن علم اخلاق و سیاست مدنی و تدبیر منزل است، پربرگ‌ترین کتاب میرسیدعلی همدانی است و چه بسا مهم‌ترین اثر او نیز باشد. ذخیره الملوک دارای مقدمه و ده باب و خاتمه‌ای کوتاه است و محتوای آن بسیار متأثر از احیاء علوم الدین امام

محمد غزالی (ف ۵۰۵) است. از این کتاب نسخه‌های بسیاری باقی مانده و به زبان‌های متعددی ترجمه شده است. *ذخیره‌الملوک* چندین بار به چاپ رسیده است، از جمله با این مشخصات: *ذخیره‌الملوک*، با تصحیح و تعلیق سید محمود انواری، تبریز: انتشارات مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، ۱۳۵۸ ش. کاتب در پایان این رساله، علاوه بر تاریخ کتابت، از خودش و محل کتابت نیز نام برده است، با این عبارت: «تمام شد کتاب *ذخیره‌الملوک* به جوار مشهد معطر و مرقد منور حضرت سلطان الاولیا امام ابوالحسن علی بن موسی رضا علیه و آباءهم التحية و الثناء به تاریخ سابع عشر شوال سنه تسع و تسعين و ثمانمائه (۱۷ شوال ۸۹۹) بخط العبد الحقیر خادم الفقراء عبداللطیف قلندر بن عبدالله بن خضر سبزواری».

(۸) أسرار النقطة (ص ۵۵۵-۵۸۲)

این رساله به زبان عربی نوشته شده است و نام دیگرش *الرسالة القدسیة فی أسرار النقطة الحسیة المشیرات (یا المشیره) إلى أسرار الهویة الغیبیة* است. میرسیدعلی همدانی در این رساله عرفانی با استفاده از اسرار حروف و نقطه از ذات و صفات الهی و کیفیت ظهور ممکنات از ذات خداوند بحث کرده است. احمد خوشنویس (عماد) در سال ۱۳۳۷ ش این رساله را با عنوان «اسرارالنقطه یا توحید عارفان» به فارسی ترجمه کرده و در مجموعه *مقامات عارفان* (چاپ دوم: تهران، انتشارات کتابخانه مستوفی، ۱۳۷۰ ش، ص ۱۶۲-۱۹۸) منتشر کرده است. هم‌چنین متن و ترجمه رساله با این مشخصات چاپ شده است: ترجمه و متن *اسرارالنقطه یا توحید مکاشفان*، مقدمه و تصحیح و ترجمه و تعلیق: محمد خواجوی، چاپ اول: تهران، انتشارات مولی، ۱۳۷۶ ش.

(۹) تأویل (ص ۵۸۳-۵۹۰)

میرسیدعلی همدانی در این رساله در این باره سخن می‌گوید که فقط نوع انسان است که می‌تواند بار امانت الهی را بر دوش بکشد و به بارگاه کبریایی حضرت حق راه یابد. انسان‌ها در پیمودن راه عالم قدس به چهار گروه تقسیم می‌شوند: «گروه اول غافلان تیه جهالت و تائهان بیداء غفلت‌اند ... طایفه دوم مخطوفان سوابق هدایت و مجذوبان خواطف عنایتند ... سیم پاکبازان کوی طریقت و شاهبازان سده حقیقتند ... اما قسم چهارم عیاران کوی طریقت

و جانبازان چهارسوی حقیقتند.» میرسیدعلی همدانی ویژگی‌های هر یک از این گروه‌های چهارگانه را برشمرده و شرح و توضیح داده است. هرچند محتوا و قلم این رساله مانند دیگر نوشته‌های میرسیدعلی همدانی است، ولی پرویز اذکایی (شاه همدان، ص ۱۷۸) رساله تأویل را جزء آثار «منسوب به» میرسیدعلی همدانی ثبت کرده است. محمد ریاض (احوال و آثار و ...، ص ۲۱۱) گفته است که به هیچ نسخه‌ای از این رساله دسترسی نداشته و نمی‌تواند درباره آن قضاوتی کند. به نظر می‌رسد این رساله تاکنون منتشر نشده باشد.

(۱۰) صفة لفقراء (ص ۵۹۱-۵۹۵)

این رساله مختصر، که به زبان عربی است، درباره صفات فقرا و اولیاءالله و فضایل ایشان با استناد به قرآن کریم است و به نظر می‌رسد که تاکنون منتشر نشده باشد.

(۱۱) بیان اعتقاد (ص ۵۹۷-۶۱۱)

این رساله در بسیاری از نسخه‌های خطی اعتقادیه نام دارد. رساله بیان اعتقاد با این مشخصات منتشر شده است: «اعتقادیه»، تحقیق: احسان فتاحی اردکانی، میثاق امین: فصلنامه پژوهشی اقوام و مذاهب، پیش شماره سوم، تابستان ۱۳۸۶ ش، ص ۲۴۱-۲۶۲. میرسیدعلی همدانی رساله‌ای نیز به همین مضمون به عربی دارد با عنوان الاعتقادات که در فنخا (ج ۴، ص ۴۰۸-۴۰۹) معرفی شده است و با رساله حاضر متفاوت است.

(۱۲) اورادیه (ص ۶۱۲-۶۴۲)

این رساله، که به نام‌های اوراد فتحیه و اورادیّه امیریه نیز مشهور است، مجموعه‌ای است از اوراد و اذکاری که میرسیدعلی همدانی برای مریدان و طالبان گردآوری کرده است. این اوراد بسیار مورد پسند واقع شده و هنوز هم در کشمیر رواج دارد و شیعیان نوربخشی در بلتستان به این اوراد توجه خاص دارند. زبان این رساله به فارسی است، ولی وردها و دعاها به عربی است. گویا میرسیدعلی همدانی تدوین نهایی رساله را در گلگیت بلتستان به انجام رسانیده باشد. وی در این رساله برخی واقعات خود را برای مخاطب حکایت کرده است. نورالدین

جعفر بدخشی / اورادیه را شرح کرده است. این رساله بارها در هندوستان و پاکستان منتشر شده است.

(۱۳) مرآت التائبین (ص ۶۴۳-۷۰۸)

به گفته جعفر بدخشی (خلاصه المناقب، ص ۲۹۰)، میرسیدعلی همدانی این رساله را به درخواست سلطان بهرامشاه حاکم بلخ و بدخشان نوشته است. مرآت التائبین، که پس از ذخیره الملوك و شرح فصوص الحکم مفصل ترین و منظم ترین اثر میرسیدعلی همدانی است، داری چهار باب است: باب اول در حقیقت توبه و وجوب آن در جمیع احوال، باب دوم در آنچه توبه از وی واجب است و انقسام صغائر و كبائر، باب سوم در شرایط توبه و کیفیت تکفیر گناهان و تدارک مظالم، باب چهارم در باعثه تائب بر توبه و معالجه حل عقدۀ اصرار. رساله مرآت التائبین با این مشخصات تصحیح و منتشر شده است: «مرآت التائبین»، تصحیح نجیب مایل هروی، در مجموعه رسائل فارسی، دفتر چهارم، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۴ ش، ص ۷-۷۴.

(۱۴) سیر الطالبین (ص ۷۰۹-۷۴۰)

موضوع این رساله در سیر و سلوک و تزکیه و تطهیر نفوس است و در آن به سیره و زندگی طالبان راه خداوند نیز اشاره شده است. مطابق برخی از نسخه های خطی، میرسیدعلی همدانی خود این رساله را تدوین نکرده است، بلکه یکی از مریدان وی به نام برهان بن عبدالصمد از میان نوشته های پراکنده همدانی آن رساله را گردآوری و تدوین کرده است؛ ولی در سفینه شاه همدان و پاره های نسخه های خطی دیگر، اثری از برهان بن عبدالصمد نیست و سیاق رساله به گونه ای است که گویا خود میرسیدعلی همدانی آن را تدوین کرده است. به نظر می رسد این رساله تاکنون منتشر نشده باشد.

(۱۵) ذکریه (ص ۷۴۱-۷۶۳)

این رساله درباره اذکار و اوراد و کیفیت و فواید آن به شیوه طریقت کبرویه است و میرسیدعلی

همدانی در آن به تفسیر ذکر و ذکر لاإله إلا الله و ذکر خفی و تأیید آن با استناد به قرآن و روایات و دلایل عقلی و شرایط و آداب خلوت و ارکان چهارگانه سلوک (طهارت، توکل، توبه، عدل) و ظاهر و باطن هر یک از این‌ها پرداخته است. ذکریه چندین بار منتشر شده است، از جمله با تصحیح محمد ریاض (در احوال و آثار و ...، ص ۵۲۳-۵۴۵) و نیز به صورت مستقل با این مشخصات: رساله ذکریه، به کوشش فریدون تقی‌زاده طوسی، چاپ اول: تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۰ ش، ۵۶ ص. هم‌چنین درباره نسخه‌شناسی این رساله، مقاله ارزشمندی با این مشخصات منتشر شده است: سلمان ساکت و ملیحه گزی مارشک، «معرفی و بررسی کهن‌ترین نسخه شناخته‌شده رساله ذکریه»، در آینه پژوهش، سال ۳۱، شماره ۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۹ ش، ص ۲۰۵-۲۲۴.

(۱۶) ده قاعده (ص ۷۶۴-۷۷۲)

این رساله، که یکی از معروف‌ترین و پُرنسخه‌ترین آثار میرسیدعلی همدانی است و به نام‌های دیگری هم‌چون ده اصل و میزان العقائد و سیروسلوک و رساله فی السلوک و راه‌های طالبان و طریقت‌نامه نیز خوانده شده، درواقع ترجمه‌ای آزاد از کتاب الأصول العشرة (= رساله فی أقرب الطرق إلى الله) نوشته نجم‌الدین کبری است. نجم‌الدین کبری در این رساله اصول ده‌گانه پیروان طریقت کبرویه را بیان کرده است که عبارتند از: توبه و زهد و توکل و قناعت و عزلت و ذکر و توجه و صبر و مراقبه و رضا. میرسیدعلی همدانی در ترجمه خود، اشعاری به زبان فارسی بر متن افزوده است. این رساله بارها چاپ شده است، از جمله به کوشش دانشمند فرانسوی موله مارین (در فرهنگ ایران‌زمین، سال ۶، دفتر ۱، ۱۳۳۷ ش، ص ۳۸-۶۶) و نیز با این مشخصات: سیدمحمدباقر کمال‌الدینی، «تصحیح رساله ده قاعده اثر میرسیدعلی همدانی»، رودکی: دوفصلنامه پژوهش‌های زبانی و ادبی در آسیای مرکزی، سال ۱۷، شماره ۴۶، بهار و تابستان ۱۳۹۵ ش، ص ۶۷-۸۵.

(۱۷) درویشیه (ص ۷۷۳-۷۸۷)

میرسیدعلی همدانی در این رساله، که درویش‌نامه نیز خوانده می‌شود، درباره احوال درویشان

و شیوه ایشان سخن گفته است و از فضل فقر و فقرا و اهمیت تزکیه نفس و نیز از لزوم سرسپردن به پیر و پیروی کامل از دستورهای او سخن گفته است. این رساله به کوشش احمد بن محمدکریم تبریزی به پیوست کتاب *اوصاف المقربین* (شیراز: مطبعة احمدیه، ۱۳۳۸) چاپ شده است. هم‌چنین محمد ریاض این رساله را تصحیح و منتشر کرده است (در *احوال و آثار* و ...، ص ۴۸۳-۵۰۰).

(۱۸) مشارب‌الاذواق (ص ۷۸۸-۸۲۱)

رساله *مشارب‌الاذواق* یا شرح قصیده خمریه میمیه ابن‌فارض مصری یکی از مشهورترین آثار میرسیدعلی همدانی است و از آن نسخه‌های خطی بسیاری باقی مانده است. میرسیدعلی در این رساله قصیده خمریه ابن‌فارض مصری (ف ۶۳۲) را به فارسی روان شرح کرده است. قصیده خمریه پس از قصیده نظم‌السلوک، معروف به تائیه کبری، مشهورترین سروده ابن‌فارض است و ده‌ها بار به زبان‌های مختلف ترجمه و تفسیر و شرح شده است. قصیده خمریه ۴۱ بیت دارد که میرسیدعلی همدانی بر ۳۲ بیت آن شرح نوشته است و چه‌بسا در نسخه مورد استفاده او، همین ۳۲ بیت وجود داشته است. وی در ابتدای شرح خود مقدمه‌ای نسبتاً مفصل درباره حقیقت محبت و مراتب و لوازم و اقسام آن آورده است. *مشارب‌الاذواق* چندین بار منتشر شده است، از جمله با تصحیح محمد ریاض در کتاب *احوال و آثار و اشعار میرسیدعلی همدانی* (ص ۳۷۹-۴۲۷) و پیش از آن در فرهنگ *ایران‌زمین* (شماره ۲۰، ۱۳۵۳ ش، ص ۲۶۶-۳۱۵) و به تصحیح محمد خواجوی با این مشخصات: *مشارب‌الاذواق: شرح قصیده خمریه ابن‌فارض مصری در بیان شراب محبت*، تهران: انتشارات مولی، ۱۳۶۲ ش.

(۱۹) بهرام‌شاهیه (ص ۸۲۲-۸۳۴)

بهرام‌شاه بن سلطان‌خان پادشاه بلخ و بدخشان، که از مریدان مخلص میرسیدعلی همدانی بوده است، از وی درخواست نصیحت کرده بود. همدانی در پاسخ، این رساله را که مشتمل بر پند و اندرز و دعوت به عدل و انصاف است برای شاه می‌فرستد. رساله *بهرام‌شاهیه* با نام‌های دیگری نیز شناخته می‌شود، از جمله *صلاتیّه و تحفه الملوک و بهرامیه*. این رساله چندین بار منتشر

شده است، از جمله در قالب مکتوبات میرسیدعلی همدانی، با این مشخصات: «متن مکتوبات میرسیدعلی همدانی»، تصحیح و توضیح: محمد ریاض، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۱۳۵۳ ش، سال ۲۱، شماره ۱، ص ۴۴-۵۱؛ و نیز در این مجموعه: «رساله بهرامیه»، به تصحیح میرهاشم محدث، در یادنامه ادیب نیشابوری: زندگی استاد و مجموعه مقالات در مباحث علمی و ادبی، به اهتمام مهدی محقق، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل شعبه تهران، ۱۳۶۵ ش، ص ۲۹۶-۳۰۵.

(۲۰) عقبات (ص ۸۳۵-۸۴۷)

رساله عقبات، که گویا نام دیگرش قدوسییه باشد، درواقع نصیحت‌نامه میرسیدعلی همدانی به سلطان قطب‌الدین (ف ۷۹۶) پادشاه کشمیر است که از او درخواست نصیحت کرده بود. این سلطان از مریدان میرسیدعلی همدانی بود و در مواقعی که همدانی در کشمیر بود، سلطان هر روز صبح در مجلس وعظ و ارشاد او شرکت می‌کرد. واژه عقبات در عنوان رساله جمع عقبه است به معنای گردنه و گذرگاه سخت و از آیه شریفه «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ» پس شتابان به آن گردنه سخت وارد نشد» (بَلَد: ۱۱) گرفته شده است. به نظر میرسیدعلی همدانی چهار عقبه در مسیر پادشاه وجود دارد: بخل و کبر و ستم و ریا. وی در این رساله به‌تندی از سلطان انتقاد می‌کند و از او می‌خواهد که با عدل و انصاف با مردم رفتار کند. به گزارش فنخا (ج ۲، ص ۷۳۱-۷۳۲)، رساله عقبات به پیوست کتاب تذکره شیخ محمد کججی، به سال ۱۳۲۷ ش در شیراز چاپ شده است، ولی نگارنده به این کتاب دسترسی پیدا نکرد.

(۲۱) حقیقت ایمان (ص ۸۴۸-۸۶۶)

مقصود از ایمان در این رساله، ایمان صوفیان و سالکان است که تفکر در کائنات و تحیر و محو شدن در تجلیات ذات حق را به دنبال دارد، نه ایمان ظاهری که هر مسلمانی ممکن است. به نظر میرسیدعلی همدانی، روح انسان شاهبازی است که از آشیان قرب برای صید معرفت و مطالعه دقیق جمال و جلال حضرت احدیت در منزل دنیا فرود آمده و سرانجام نیز به آشیان قرب بازمی‌گردد. احوال مردمان از نظر دلبستگی به دنیا یا آخرت گوناگون است، به‌ویژه آنان که

در ظهور نور احدیت بشریت خود را متلاشی کرده‌اند. به نظر می‌رسد این رساله تاکنون منتشر نشده باشد.

(۲۲) منامیه (ص ۸۶۷-۸۷۸)

این رساله را میرسیدعلی همدانی به درخواست یکی از مریدانش «در بیان حقیقت مثال و خیال مطلق و مقید و کیفیت مراتب منامات و رؤیا و درجات خلق در ادراک علوم و معانی از عوالم علوی و اطوار خیال و مثال و ارواح و اعیان» نوشته و در ضمن آن از انواع سه‌گانه نور (مرتبه نور حقیقی مطلق یعنی عالم جبروت و ملکوت، مرتبه ظلمت یعنی عدم محض، مرتبه ضیا یعنی عالم مثال برزخ میان اجسام و ارواح) نیز بحث کرده است. رساله منامیه با این مشخصات منتشر شده است: «رساله منامیه از میرسیدعلی همدانی»، تصحیح محمدجعفر یاحقی، دوفصلنامه پژوهش‌های فرهنگی، زبانی و ادبی آسیای مرکزی، سال ۱۶، شماره ۴۴، بهار و تابستان ۱۳۹۴ ش، ص ۹۵-۱۱۴.

(۳۲) عقلیه (ص ۸۷۹-۸۹۷)

این رساله درباره عقل نوشته شده و شامل سه باب است: باب اول در فضیلت عقل و آنچه در این معنی وارد است از آیات مجید و اخبار نبوی و آثار صحابه و تابعین؛ باب دوم در ذکر اسامی و صفات عقل از اقوال متکلمان و حکما و اقوال اهل کشف و تحقیق از مشایخ عظام؛ باب سیم در تفاوت درجات خلق در اکتساب آثار انوار حقایق عقلی. بیشتر مطالب این رساله برگرفته از «کتاب العلم» در إحياء العلوم الدین امام محمد غزالی است. به نظر می‌رسد این رساله تاکنون منتشر نشده باشد.

(۲۴) واردات (ص ۸۹۸-۹۱۱)

رساله واردات یا وارداتِ امیریه، که شامل اوراد و نصایح است و به بهرام‌شاه حاکم بلخ و بدخشان اهدا شده است، هم‌چون برخی مناجات‌های منسوب به خواجه عبدالله انصاری (ف ۱۸۴) با نثری مسجع و گاه مقفا نوشته شده و بسیار زیبا و شیرین و روان است. گویا بهرام‌شاه حاکم بلخ و بدخشان هر روز وردهای این رساله را تکرار می‌کرده است (ریاض، احوال و آثار و ...، ص

۱۳۱). رساله واردات با این مشخصات تصحیح و منتشر شده است: «واردات»، تصحیح سیدرضا صداقت حسینی، در مجموعه رسائل فارسی، دفتر دهم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۲ ش، ص ۸۵-۱۰۴. به گفته محمد ریاض، این رساله با عنوان الواردات الغیبیة و اللطائف القدسیة نیز در سال ۱۳۳۲/۱۹۱۴ در دهلی منتشر شده است. در فنخا (ج ۳۴، ص ۷۲) آمده است که شیخ عبدالله الاهی رومی سیمای (ف ۸۹۶) رساله واردات را با عنوان کشف الواردات لطالب الکمالات و غایة الدرجات شرح کرده است، ولی به نظر می‌رسد این کتاب شرحی باشد بر کتاب الواردات الغیبیة نوشته بدرالدین محمود سیمای رومی (ف ۸۲۳). در برخی نسخه‌های خطی بخش‌هایی از رساله واردات جداگانه کتابت شده و عناوینی هم‌چون ادعیه فارسی پیدا کرده است.

(۲۵) چهل مقام صوفیه (ص ۹۱۲-۹۱۷)

در این رساله، میرسیدعلی همدانی مقامات چهل‌گانه تصوف را به زبان ساده بیان کرده است. چهل مقام به این شرح است: نیت، انابت، توبه، ارادت، مجاهده، مراقبه، صبر، ذکر، مخالفت نفس، رضا، موافقت بلا، تسلیم، توکل، زهد، عبادت، ورع، اخلاص، صدق، خوف، رجا، فنا، بقا، علم‌الیقین، حق‌الیقین، معرفت، ولایت، محبت، شوق، وحدت، قربت، انس، وصال، کشف، محاضره، تجرید، تغرید، انبساط، تحیر، نهایت، تصوف. این رساله به پیوست تذکره شیخ محمد کججی (شیراز: ۱۳۲۷ ش) چاپ شده است، ولی ما به این چاپ دسترسی نداشتیم.

(۲۶) همدانیه (ص ۹۲۸-۹۲۴)

این رساله را میرسیدعلی همدانی در پاسخ به پرسش یکی از مریدانش، گویا در پاسخ به تعریض سیدجلال‌الدین بخاری معروف به مخدوم جهانیان و جهانگشت (ف ۷۸۵)، درباره معنای «همدان» به نگارش درآورده و، علاوه بر اشاره به نام جغرافیایی این کلمه (همدان در یمن و همدان در ایران)، معانی عرفانی این واژه (همه‌دان) را نیز ذکر کرده است. رساله همدانیه با تصحیح استاد پرویز اذکایی منتشر شده است (در شاه همدان، ص ۲۳۳-۲۵۵). هم‌چنین محمد ریاض (در احوال و آثار و ...، ص ۱۴۱) گفته است که این رساله را در نشریه معارف اسلامی: ارگان سازمان اوقاف ایران منتشر کرده است، ولی ما در آرشیو نشریه چیزی نیافتیم.

(۲۷) فتوتیه (ص ۹۲۵-۹۴۶)

نام‌های دیگر این رساله فتوت‌نامه و کتاب الفتوة است. میرسیدعلی همدانی این رساله را، که درباره آداب و رسوم جوانمردان و اهل فتوت است، در روز جمعه ششم رمضان سال ۷۷۳ تألیف کرده و آن را به شیخ علی حاجی بن طوطی علیشاهی ختلائی اهدا کرده است. مؤلف نخست واژه «اخی» را توضیح داده و سپس از معنا و مقصود و جنبه‌های اخلاقی و اجتماعی فتوت و آداب و رسوم آن سخن گفته است. محمد ریاض این رساله با مقدمه و یادداشت‌های مفصل هم در کتاب احوال و آثار و ... (ص ۲۴۳-۳۷۷) و هم به صورت مستقل منتشر کرده است، با این مشخصات: فتوت‌نامه: تاریخ، آیین، آداب و رسوم به انضمام رساله فتوتیه میرسیدعلی همدانی، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۲ ش. رساله فتوتیه، به جز تصحیح محمد ریاض، چند بار دیگر نیز منتشر شده است. در برخی از نسخه‌های خطی فتوتیه پس از پایان متن، یادداشت اضافه‌ای از میرسیدعلی همدانی وجود دارد که در آنجا این رساله را به شیخ علی حاجی بن طوطی علیشاهی ختلائی اهدا کرده و سند خرقة فتوت خود را، که در ابتدای مقدمه آوردیم، ذکر کرده است. این یادداشت اضافه در سفینه شاه همدان وجود ندارد.

(۲۸) داوودیه (ص ۹۴۷-۹۵۲)

این رساله، که وصیت‌نامه نیز نام دارد، در اصل نامه‌ای است نسبتاً مفصل که میرسیدعلی همدانی به یکی از مریدان یا دوستانش به نام داوود است که از او «التماس وصیتی کرد که متضمن آداب و سیر اهل کمال بود». متأسفانه درباره این شخص اطلاعاتی به دست ما نیست. همدانی در پایان این رساله، سلسله مشایخ خود را ذکر کرده است که پیشتر آن را آوردیم. به نظر می‌رسد این رساله تاکنون منتشر نشده باشد.

(۲۹) موچلکه (ص ۹۵۳-۹۵۷)

موچلکا واژه‌ای مغولی است به معنای سند و صورت‌مجلس و دستخط و سند شرعی (نعت‌نامه دهخدا). در ابتدای رساله آمده است که میرسیدعلی همدانی برای کسی آیه‌ای از قرآن کریم

را تفسیر می‌کند، ولی آن شخص «گویی هیچ از آن فهم نکرد». سپس میرسیدعلی ماحصل گفته خود را در قالب این رساله کوچک می‌ریزد و هم‌چون سند و مدرکی برای سخنانش به او می‌دهد و احتمالاً از همین باب نام رساله را موچلکه گذاشته باشد. آنچه گفتیم نظر آقای دکتر سید محمود انواری درباره عنوان این رساله است («میرسیدعلی همدانی و تحلیل آثار او»، ص ۳۳۶-۳۳۷)، ولی به نظر دکتر محمد ریاض این واژه به معنای کوچک و ظریف و زیبا و آبدار است و نیز نام یکی از ارادتمندان ناشناس میرسیدعلی همدانی بوده است که این رساله را برای او به نگارش درآورده است (شاه همدان، ص ۱۷۱). این رساله با مشخصات ذیل منتشر شده است: مرتضی چرمگی عمرانی و منیره محمددادی، «معرفی و تصحیح رساله موچلکه میرسیدعلی همدانی»، یازدهمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، دوره ۱۱، ۱۳۹۵ ش.

(۳۰) اصطلاحات (ص ۹۵۹-۹۶۵)

این رساله بر اساس اندیشه‌های ابن عربی (ف ۶۳۸) تدوین شده و از وجود مطلق و حضرات خمس و مظاهر هویت وجود ذاتیه بحث کرده است. در دیگر نسخه‌های خطی عنوان رساله را وجودیه گذاشته‌اند که متناسب‌تر به نظر می‌رسد. رساله اصطلاحات با این مشخصات منتشر شده است: «رساله وجودیه قطب‌العارفین میرزا علی همدانی»، قبسات: پژوهش فصلانه در حوزه دین‌پژوهی، سال هفتم، شماره ۲۴، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۱ ش، ص ۳-۵. از عنوان غریب «میرزا علی» که بگذریم، رساله میرسیدعلی همدانی در این چاپ نه مقدمه دارد و نه معلوم است که از چه نسخه یا نسخه‌های خطی برای تصحیح آن استفاده شده است. از این رساله نسخه‌های خطی متعددی وجود دارد و «وجودیه»های متفاوتی را به میرسیدعلی همدانی نسبت داده‌اند. ناگفته نماند، این رساله با رساله اصطلاحات صوفیه، که در آنجا میرسیدعلی همدانی حدود سیصد اصطلاح صوفیانه را به اختصار شرح کرده است و در محتوا بسیار شبیه رساله رشف‌الالفاظ فی کشف‌الالفاظ منسوب به شرف‌الدین حسین اُفتی تبریزی است، تفاوت دارد (رک: محمد ریاض، احوال و آثار و ...، ص ۱۴۱-۱۴۳). به نظر می‌رسد کاتب در اینجا دچار اشتباه شده باشد. او ابتدا صفحه عنوان «رساله اصطلاحات» را نوشته (ص ۹۵۹) ولی متن رساله «وجودیه» را کتابت کرده است.

(۳۱) مشکل حلّ (ص ۹۶۶-۹۶۹)

این رساله در نسخه‌های خطی عناوین دیگری نیز دارد: حلّ مشکل، مراتب معرفت، معرفت خداوند. این رساله شرحی است بر بیتی که در ابتدای رساله آمده است و گوینده بیت برای ما معلوم نشد: ای مشکل حلّ و حلّ مشکل زان سوی ازل به هشت منزل
میرسیدعلی همدانی در ابتدای رساله می‌گوید که غرض از همه دانش‌ها و فرستادن پیامبران معرفت به ذات خداوند است. سپس به درجات سه‌گانه معرفت (معرفت عامه مؤمنان، معرفت استدلالی، معرفت شهودی) اشاره می‌کند. آن‌گاه از ازل و تفاوت آن با ازلِ آزال سخن می‌گوید و منازل هشت‌گانه حیّ و علم و ارادت و قدرت و سمیعی و بصیری و کلامی و عالم ارواح یا ملکوت را شرح می‌دهد. به نظر می‌رسد این رساله تاکنون منتشر نشده باشد.

(۳۲) مشتیّه (ص ۹۷۰-۹۷۴)

عنوان این رساله در دیگر نسخه‌ها مشیّت یا رساله المشیّه است که به نظر درست‌تر می‌رسد. میرسیدعلی همدانی در این رساله به سالکان سفارش می‌کند که تن به رضای الهی و مشیّت او بدهند و در این راه شتاب و ناشکیبایی نکنند. وی می‌گوید که با یاد گرفتن علوم و اصطلاحات عرفانی نمی‌توان به حقیقت رسید، بلکه در این راه باید دانسته‌ها را از لوح ضمیر شست و با قدم مجاهدت و ریاضت راه را پیمود. به نظر می‌رسد این رساله تاکنون منتشر نشده باشد.

(۳۳) سؤالات که از آن حضرت کرده‌اند و جواب (ص ۹۷۵-۹۸۰)

این رساله که در برخی نسخه‌های خطی رساله سؤالات یا سؤال و جواب یا سؤالات و جوابات نام دارد، پاسخ به ده سؤال کلامی و عرفانی است که ارادتمندان میرسیدعلی همدانی از او پرسیده‌اند. محمد ریاض این رساله را به اردو ترجمه و منتشر کرده است (لاهور: ماهنامه المعارف، ۱۹۷۰)، ولی گویا اصل فارسی رساله تاکنون منتشر نشده باشد.

(۳۴) مکتوبات که آن حضرت به هر کس نوشته‌اند (ص ۹۸۱-۹۹۶)

کاتب در این بخش تعداد دوازده نامه از نامه‌های میرسیدعلی همدانی را کتابت کرده است، ولی

در هیچیک از نامه‌ها نام مخاطب را مشخص نکرده است. سال‌ها پیش آقای دکتر محمد ریاض تعداد نوزده مکتوب از مکتوبات میرسیدعلی همدانی را با این مشخصات منتشر کرده است: «متن مکتوبات میرسیدعلی همدانی»، تصحیح و توضیح: محمد ریاض، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۱۳۵۳ ش، سال ۲۱، شماره ۱، ص ۳۳-۶۶. البته یکی از مکتوبات ایشان همان رساله نوزدهم در سفینه شاه همدان (بهرام‌شاهی) است. در اینجا، به کمک پژوهش ایشان، مخاطب چهار نامه را پیدا کرده‌ایم، به این تفصیل: مخاطب مکتوب دوم (ص ۹۸۱-۹۸۲) میرزاده میرکا است از امیرزادگان بلخ و بدخشان. مخاطب مکتوب چهارم (ص ۹۸۴-۹۸۶) شیخ محمد خوارزمی از پاخلی است. مخاطب مکتوب ششم (ص ۹۸۷-۹۸۹) سلطان طغان شاه است. مخاطب مکتوب هشتم (ص ۹۹۱) نورالدین جعفر بدخشی است.

(۳۵۳) سلسله اولیا (ص ۹۹۷-۹۹۹)

همان‌طور که پیشتر گفتیم، میرسیدعلی همدانی در این رساله کوتاه، که به زبان عربی است، سلسله مشایخ خود را به ترتیب نام برده است. بر اساس گزارش فنخا (ج ۱۸، ص ۳۲۱)، از این رساله، جز عکس نسخه کتابخانه گنج‌بخش، هیچ نسخه‌ای در ایران وجود ندارد. به نظر می‌رسد این رساله تاکنون منتشر نشده باشد.

(۳۶) غزلیات (ص ۱۰۰۰-۱۰۱۸)

این بخش از نسخه خطی شامل سی‌وهفت غزل و یک رباعی از میرسیدعلی همدانی است. مجموعه غزلیات همدانی، که حدود چهل غزل است، در نسخه‌های خطی مختلف به چهل اسرار یا گلشن اسرار معروف است، ولی در اینجا عنوان خاصی ندارد. غزلیات میرسیدعلی همدانی بارها به چاپ رسیده است، از جمله با این مشخصات: چهل اسرار یا غزلیات میرسیدعلی همدانی، تصحیح: سیده اشرف بخاری، با مقدمه محمد ریاض خان، تهران: انتشارات وحید، ۱۳۴۷ ش. درباره اشعار باقیمانده از میرسیدعلی همدانی و کمیت و کیفیت آن محمد ریاض توضیحات مفیدی ارائه کرده است. قلندر سبزواری، کاتب سفینه شاه همدان، در پایان غزلیات نیز از خود و تاریخ و محل کتابت نام برده است، با این عبارت: «تمام شد بعضی مصنفات و

اشعار جناب سیدالعارفین سندالمحققین علی ثانی امیر سیدعلی همدانی قدس الله سره السبحانی به جوار روضه منور و مشهد مطهر حضرت سلطان الاولیا ابوالحسن امام علی بن موسی الرضا علیه و آبائهم التحیه و الثنا بخط العبد الحقیر خادم الفقراء عبداللطیف قلندر بن عبدالله بن خضر سبزواری به تاریخ خامس جمادی الثانی سنه تسع و تسعین فثمانمائه (۵ جمادی الثانی ۸۹۹)».

(۳۷) حلّ فصوصالحکم (ص ۱۰۲۱-۱۳۷۳)

این کتاب که شرحی فارسی بر کتاب فصوصالحکم ابن عربی است، بعد از ذخیرهالملوک پُربرگترین کتاب میرسیدعلی همدانی به شمار می‌رود. در انتساب کتاب حلّ فصوصالحکم به میرسیدعلی همدانی هیچ تردیدی وجود ندارد. علاوه بر نسخه‌های خطی متعدد که به نام نویسنده کتاب تصریح کرده‌اند، نورالدین جعفر بدخشی نیز در خلاصه‌المناقب (ص ۷۱) گفته است که میرسیدعلی همدانی در حلّ الفصوص ولایت مطلقه و ولایت مقیده را تبیین کرده است. باز در همین خلاصه‌المناقب (ص ۲۹۳) میرسیدعلی همدانی از جعفر بدخشی خواسته است که دو کتاب خودش یعنی حلّ الفصوص و شرح قصیده خمریه/ابن فارض را به دو تن از مریدانش به نام‌های محمد شجاع و مولانا بدرالدین تدریس کند. با این حال، کتاب با عنوان نادرست و با انتساب اشتباه به خواجه محمد پارسا (ف ۸۲۲) با این مشخصات منتشر شده است: شرح فصوصالحکم، تصحیح جلیل مسگرزاد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶ ش. عجیب است که محمد ریاض نیز این کتاب را بسیار مختصر و شامل ده برگ معرفی کرده است و به احتمال قوی نسخه‌های خطی آن را ندیده است (احوال و آثار و ...، ص ۱۵۳-۱۵۵). در فنخا (ج ۲۰، ص ۲۳۴) کتاب با عنوان شرح فصولالحکم و ذیل نام خواجه محمد پاسا معرفی شده است، هرچند تذکر داده است که میان این کتاب و حلّ الفصوص میرسیدعلی همدانی تطابقی وجود دارد که باید بررسی شود. کاتب در پایان این رساله نیز از خود و تاریخ و محل کتابت نام برده است، با این عبارت: «تمام شد کتاب حل فصوصالحکم بعون الله و حسن توفیقه به جوار مشهد منور و مرقد مطهر سلطان الاولیا امام ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه و علی آبائهم التحیه و الثنا بخط العبد الحقیر خادم الفقراء عبداللطیف قلندر بن عبدالله بن خضر سبزواری به تاریخ غره شعبان المعظم سنه احدی و تسعمائة (۱ شعبان ۹۰۱)».

(۳۸) خلاصه المناقب (ص ۱۳۷۵-۱۵۲۱)

همان‌طور که پیشتر گفتیم، خلاصه المناقب نوشته نورالدین جعفر بدخشی مهم‌ترین کتابی است که در شرح احوال میرسیدعلی همدانی نوشته شده است. باید به کاتب این مجموعه آفرین گفت که حسن ختام کار سترگ خود را کتابت خلاصه المناقب قرار داده است. پیشتر گفتیم که خلاصه المناقب با این مشخصات منتشر شده است: نورالدین جعفر بدخشی، خلاصه المناقب در مناقب میرسیدعلی همدانی، به تصحیح سیده اشرف ظفر، چاپ اول: اسلام‌آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۷۴ ش. مصحح در تصحیح کتاب از پنج نسخه خطی، از جمله نسخه حاضر که کهن‌ترین نسخه موجود از خلاصه المناقب است، استفاده کرده است. در حد آگاهی ما، در میان چاپ‌های بی‌شمار از رساله‌های میرسیدعلی همدانی از مجموعه حاضر هیچ استفاده‌ای نشده است. کاتب در ابتدای خلاصه المناقب سه بیت شعر درج کرده است که سراینده آن‌ها را پیدا نکردیم:

سر و سامان مطلب زانکه خداوند کریم	هر که را کرد نظر بی‌سر و بی‌سامان کرد
گر خلق به نیکی تو اقرار کنند	کار غم عشق بر تو دشوار کنند
اقرار تو آن لحظه درست است که خلق	از تو بیرند و بر تو انکار کنند

تاریخ کتابت این رساله که واپسین رساله مجموعه است ۲۱ صفر ۹۰۱ است.



علاوه بر رساله‌های سفینه شاه همدان، میرسیدعلی همدانی آثار دیگری نیز داشته است. روی‌هم‌رفته می‌توان ادعا کرد که حدود نود کتاب و رساله از میرسیدعلی همدانی باقی مانده است، ولی با توجه به اینکه اولاً برخی از این رساله‌ها بخش‌هایی از کتاب‌های دیگر میرسیدعلی همدانی هستند که مستقلاً کتابت شده‌اند و ثانیاً برخی رساله‌ها صرفاً به سبب اختلاف در عنوان از یکدیگر جدا شده‌اند و ثالثاً انتساب تعدادی از این رساله‌ها به میرسیدعلی همدانی نادرست است، تا هنگامی که مجموعه این آثار با استفاده از نسخه‌های خطی به صورت انتقادی تصحیح نشود، نمی‌توان قضاوت درستی درباره تعداد دقیق آثار میرسیدعلی همدانی داشت.

پی‌نوشت

۱- لازم است گفته شود که نوشته حاضر صورت کوتاه‌شده‌ای است از مقدمه مفصل محمد سوری و سیدرضا باقریان موحد بر چاپ نسخه‌برگردان *سفینه شاه همدان*. مشخصات آن چاپ از این قرار است: *سفینه شاه همدان*: نسخه‌برگردان مجموعه خطی آثار میرسیدعلی همدانی در کتابخانه شهیدعلی پاشا به شماره ۲۷۹۴، ج ۲، به کوشش سیدرضا باقریان موحد و محمد سوری، قم: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۴۰۰. با توجه به حجم بسیار بالای کتاب (بیش از هزار و هفتصد صفحه) و هزینه سنگین تهیه آن، بسیاری از مشتاقان میرسیدعلی همدانی موفق نشدند آن مقدمه را بخوانند. از این رو، به پیشنهاد سردبیر محترم نشریه *آفاق اشراق*، خلاصه‌ای از مقدمه با اندک تغییرات و گاه آگاهی‌های تازه در قالب مقاله حاضر به علاقه‌مندان تقدیم می‌شود.

۲- غلام سرور لاهوری، *حزینة/الاصفیاء*، ج ۲، ص ۲۹۴ (به نقل از *جواهرالاسرار*). در *سفینه شاه همدان* (ضمن رساله خلاصه المناقب، ص ۱۳۷۸) نیز سلسله نسب میرسیدعلی همدانی درج شده است، ولی برخی اسم‌ها افتادگی دارد.

۳- در خصوص تاریخ و محل درگذشت مزدقانی، ر.ک: حافظ حسین کربلایی، *روضات الجنان و جنات الجنان*، ج ۲، ص ۲۸۲. در روستای مؤمن آباد در نزدیکی شهر سمنان آرامگاهی به شیخ محمود مزدقانی منسوب است. با توجه به تصریح کربلایی به این که «مزار محفوف به انوار آن بزرگان به همدان است» انتساب آن آرامگاه به مزدقانی درست به نظر نمی‌رسد.

۴- *سفینه شاه همدان*، ص ۹۵۱-۹۵۲ و ۹۹۷-۹۹۹.

۵- بر اساس دیگر اسناد، نام این سه نفر را اضافه کردیم. کاتب *سفینه شاه همدان* نیز متوجه این نقص در رساله شده و در حاشیه ص ۹۵۲، به نقل از علاءالدوله سمنانی، از این اشخاص یاد کرده است.

۶- شماره صفحات بر اساس چاپ نسخه‌برگردان *سفینه شاه همدان*، قم: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۴۰۰ است.

منابع

۱- ابن جوزی، *العلل المتناهیة فی الأحادیث الواهیه*، ج ۲، قدم له و ضبطه: خلیل المیس، چاپ اول: بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۹۸۳/۱۴۰۳.

۲- ابومنصور اصفهانی، معمر بن احمد. *مجموعه آثار ابومنصور اصفهانی*. تصحیح نصرالله پورجوادی و محمد سوری (در دست انتشار).

۳- اذکایی، پرویز. *شاه همدان: احوال و آثار و آراء میرسیدعلی همدانی به انضمام پنج رساله وی*. همدان: دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۴ ش.

- ۴- انواری، سیدمحمود. «میرسیدعلی همدانی و تحلیل آثار او»، در نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، شماره ۱۲۳، پاییز ۱۳۵۶ ش، ص ۲۹۷-۳۶۳.
- ۵- بدخشی، حیدر. منقبت الجواهر در شرح احوال میرسیدعلی همدانی، تصحیح اکرم آقاجانلو، تهران: انتشارات طهوری، ۱۴۰۰.
- ۶- بدخشی، نورالدین جعفر. خلاصه المناقب (در مناقب میرسیدعلی همدانی). به تصحیح سیده اشرف ظفر. چاپ اول: اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۷۴ ش/۱۹۹۵.
- ۷- تبریزی، احمد بن محمد کریم. اوصاف المقرّبین کفایة المؤمنین. شیراز: مطبعة احمدی، ۱۳۳۸.
- ۸- درایتی، مصطفی. فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا). ۴۵ ج، چاپ اول: تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰ ش.
- ۹- ریاض خان، محمد. احوال و آثار و اشعار میرعلی همدانی با شش رساله از وی. چاپ دوم: اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۷۰ ش/۱۴۱۱/۱۹۹۱.
- ۱۰- ساکت، سلمان و ملیحه گزی مارشک، «معرفی و بررسی کهن ترین نسخه شناخته شده رساله ذکریه»، آینه پژوهش، سال ۳۱، شماره ۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۹ ش، ص ۲۰۵-۲۲۴.
- ۱۱- سلمی نیشابوری، ابو عبدالرحمن. مجموعه آثار ابو عبدالرحمن سلمی. ج ۳، گردآوری نصرالله پورجوادی و محمد سوری، چاپ اول: تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه آزاد برلین، ۱۳۸۸ ش/۲۰۰۹.
- ۱۲- عطار نیشابوری (منسوب به)، پندنامه، چاپ سنگی تهران، ۱۲۹۰/۱۸۷۳.
- ۱۳- کربلابی، حافظ حسین، ۲ ج، روضات الجنان و جنات الجنان، تصحیح جعفر سلطان القرائی، چاپ اول: تبریز، انتشارات ستوده، ۱۳۸۳.
- ۱۴- لاهوری، غلام سرور. خزینة الاصفیاء. ۲ ج، کابل: انصاری کتب خانه، ۱۳۳۲/۱۹۱۴.
- ۱۵- مالینی، ابوسعید احمد بن محمد. کتاب الأربعین فی شیوخ الصوفیة، تصحیح عامر حسن صبری، چاپ اول: بیروت، دار البشائر الإسلامية، ۱۹۹۷/۱۴۱۷.
- ۱۶- همدانی، میرسیدعلی. «اسرار النقطه یا توحید عارفان». ترجمه احمد خوشنویس (عماد). در مقامات عارفان: سه اثر نفیس از سه عارف بزرگ، چاپ دوم: تهران، انتشارات کتابخانه مستوفی، ۱۳۷۰ ش، ص ۱۶۲-۱۹۸.
- ۱۷- _____ . «اسرار الوحی». تصحیح مهري معصومی. در مجموعه رسائل فارسی. دفتر پنجم، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۷-۱۱۰.
- ۱۸- _____ . «اعتقادیة»، تحقیق: احسان فتاحی اردکانی، میثاق امین: فصلنامه پژوهشی اقوام و مذاهب، پیش شماره سوم، تابستان ۱۳۸۶ ش، ص ۲۴۱-۲۶۲.

- ۱۹- _____ . ترجمه و متن اسرارالنقطه یا توحید مکاشفان. مقدمه و تصحیح و ترجمه و تعلیق: محمد خواجوی، چاپ اول: تهران، انتشارات مولی، ۱۳۷۶ ش/ ۱۴۱۸.
- ۲۰- _____ . «تصحیح رساله ده قاعده اثر میرسیدعلی همدانی». سیدمحمدباقر کمال‌الدینی. رودکی: دوفصلنامه پژوهش‌های زبانی و ادبی در آسیای مرکزی، سال ۱۷، شماره ۴۶، بهار و تابستان ۱۳۹۵ ش، ص ۶۷-۸۵.
- ۲۱- _____ . چهل اسرار یا غزلیات میرسیدعلی همدانی. تصحیح سیده اشرف بخاری. با مقدمه محمد ریاض خان. تهران: انتشارات وحید، ۱۳۴۷ ش.
- ۲۲- _____ . ذخیره‌الملوک. به تصحیح و تعلیق: سیدمحمد انواری، تبریز: انتشارات مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، ۱۳۵۸ ش.
- ۲۳- _____ . «رساله بهرامیه». به تصحیح میرهاشم محدث. در یادنامه ادیب نیشابوری: زندگی استاد و مجموعه مقالات در مباحث علمی و ادبی، به اهتمام مهدی محقق، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مکیل شعبه تهران، ۱۳۶۵ ش/ ۱۹۸۶، ص ۲۹۶-۳۰۵.
- ۲۴- _____ . «ده قاعده»، تصحیح مارین موله، در فرهنگ ایران‌زمین، سال ۶، دفتر ۱، ۱۳۳۷ ش، ص ۳۸-۶۶.
- ۲۵- _____ . رساله ذکریه. به کوشش فریدون تقی‌زاده طوسی. چاپ اول: تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۰ ش/ ۱۹۹۲.
- ۲۶- _____ . «رساله منامیه از میرسیدعلی همدانی». تصحیح محمدجعفر یاحقی. رودکی: دوفصلنامه پژوهش‌های فرهنگی، زبانی و ادبی آسیای مرکزی، سال ۱۶، شماره ۴۴، بهار و تابستان ۱۳۹۴ ش، ص ۹۵-۱۱۴.
- ۲۷- _____ . «رساله وجودیه قطب‌العارفین میرزا علی همدانی»، قبسات: پژوهش فصلانه در حوزه دین‌پژوهشی، سال هفتم، شماره ۲۴، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۱ ش، ص ۳-۵.
- ۲۸- _____ . سفینه شاه همدان: نسخه‌برگردان مجموعه خطی آثار میرسیدعلی همدانی در کتابخانه شهیدعلی‌پاشا به شماره ۲۷۹۴، ج ۲، به کوشش سیدرضا باقریان موحد و محمد سوری، قم: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۴۰۰.
- ۲۹- همدانی، میرسیدعلی [در متن به اشتباه: خواجه محمد پارسا]. شرح فصوص الحکم. تصحیح جلیل مسکرنژاد. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶ ش.
- ۳۰- همدانی، میرسیدعلی. فتوت‌نامه: تاریخ، آیین، آداب و رسوم به انضمام رساله فتوتیه میرسیدعلی همدانی. تصحیح محمد ریاض خان. تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۲ ش.

- ۳۱- _____ . «متن مکتوبات میرسیدعلی همدانی». تصحیح و توضیح: محمد ریاض خان. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۱۳۵۳ ش، سال ۲۱، شماره ۱، ص ۴۴-۵۱.
- ۳۲- _____ . «مرآت‌التائین». تصحیح نجیب مایل هروی. در مجموعه رسائل فارسی، دفتر چهارم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۴ ش، ص ۷-۷۴.
- ۳۳- _____ . «مشارب‌الاذواق در شرح قصیده میمیه ابن‌فارض مصری». تصحیح: محمد ریاض خان، در فرهنگ ایران‌زمین، ج ۲۰، ص ۲۶۶-۳۱۵.
- ۳۴- _____ . مشارب‌الاذواق: شرح قصیده خمیره ابن‌فارض مصری در بیان شراب محبت. تصحیح محمد خواجه‌وی. تهران: انتشارات مولی، ۱۳۶۲ ش.
- ۳۵- _____ «معرفی و تصحیح رساله موجلکه میرسیدعلی همدانی». تصحیح مرتضی چرمگی عمرانی و منیره محمددادی. یازدهمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران. دوره ۱۱، دانشگاه گیلان، شهریور ۱۳۹۵ ش.
- ۳۶- _____ . «واردات». تصحیح سیدرضا صداقت حسینی. در مجموعه رسائل فارسی، دفتر دهم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۲ ش، ص ۸۵-۱۰۴.

نه بشرت غفلت و کثرت ذنوب پرده غفلت دیده دهایی
 ما را از ملاحظه این خطر برداشت و استیلائی تشخّصاً
 بضاعت یقین و استیصار ما را ایکل سوخت و تعاقب
 شاییل شیطانی عقول مکرر ما را بغریت و توالی دواغی
 شهوات نفسانی خاک شقاوت و ادبار بر فرق روزگار ما
 بیخت و کثرت اقتزاق معاصی آبروی ما بر بخت نال
 العفو الغفور المنان ان یعاملنا بما مواسله و ان تسر
 قبا یح اعمالنا کما یتقنی کرمه و فضله انه فزیب مجیب و الحمد
 لله وحده ما کم علی من اتبع الهدی، تمام شد
 کتاب ذخیره الملوک بجوار مشهد معطر و مرقد منور
 حضرت سلطان الاولیا امام ابوالحسن علی
 بن موسی رضا علیه و علی آبائهم النجته
 و اثنا عشر شیخ سابع عشر شوال
 سنه تسع و تسعین و ثمان مائید
 بخط العبد الحقیر خالص الفکر عبد اللطیف قلندر بن عبد الله
 بن خضر سبزواری اللهم اغفر لمصنعه و صاحبه و کاتبه
 و ناظره و لمجیع المومنین المومنات بر حنک یا
 ارحم الراحمین و صلی الله علی سیدنا محمد
 و آله اجمعین الطیبین الطاهرین
 و سلم تسلیماً کثیراً
 کثیراً

پایان رساله «ذخیره الملوک» و اشاره کاتب به محل کتابت (به جوار مشهد معطر و مرقد منور حضرت سلطان
 الاولیا امام ابوالحسن علی بن موسی رضا علیه و علی آبائهم النجیه و الثنا) به تاریخ ۱۷ شوال ۸۹۹ ق

لواء غر تو بر سده قدم زده اند عزیز در صف اهل صفا نه اکتونی
 دین مخزن کما سون که کور و مکان نداشت طاقت دیدار آن نومه و خونی
 علایک را از بحال حیرت ترا امید قطع مکن چون بوقت مر مونی

وله

داروی درد جانمی سوز و گداز زار منشور ملک شش اندوه و دل جوی

رباعی

مر کوبه علی عمرانی شد چون خضر بر چشمه حیوانی شد

از سوسه و غارت شیطان و ارت

مانند علاء و کله سمائی شد

تمام شد بعضی مصنوعات و اشعار جناب سید العارفین سند

المحققین علی ثانی امیر سید علی مدانی قدس الله سره السجانی

بجوار روضه منور و مشهد معطر حضرت سلطان الماویا ابوالحسن

امام علی بن موسی الرضا علیه و علی ایامهم النجته و الشنا بخط العبد

الحتیر خالعه الفقیر عبد اللطیف قلندر بن عبد الله بن خضر بن زواری

بنارنج خامس جلالانی منه نفع و تسعین و ثمانمائه اللهم اغفر لخصفه

و صاجه و ناظره و کاتبه و جمیع المؤمنین و المؤمنات و المسلمین

و المسلمات برحمتک یا ارحم الراحمین و صلی الله علی محمد و آله

اجمعین الطیبین الطاهرین و سلم تسلیما کثیرا کثیرا

ایزد نظری بحال آن بنده کند کج و لشر از معرفت آنده کند

کو خط فقیر را به بنید ز کرم

یک فاخته در کار نویسنده کند

۴

۱۰۱۸

پایان «غزلیات» و اشاره کاتب به محل کتابت (به جوار روضه منور و مشهد معطر حضرت سلطان الاولیا
 ابوالحسن امام علی بن موسی الرضا علیه و علی آبائهم التحیه و الشنا) به تاریخ ۵ جمادی الثانی ۸۹۹

بنسیم عنایت بخودینواز سرکشکان یادی در دردم ماییم کار با ساز
 الهی رنجوران امراض عناییم شریفی ده تجروحان ضرب بلاییم می نه
 انقادگان چاه طبعیتیم بغایت بی علت حسرت کیر استادگان
 استانه ذلت قطعیتیم عذر ما پذیر روح مقدس سیدانبارا
 بصوات زاکیات معطر و منور گردان امان فیض اصل بیت او
 که ملوک عرصه تحقیق اند بر مغارق سالکان دین و طالبان مقصد
 یتیم باغی دار برکات انعام صحابه کرام را بروز کار خواننده
 و عمل کننده و نویسنده و عامه اصل اسلام در رسان بفضلك
 وجودک و کرمک یا ارحم الراحمین و صلی الله
 علی محمد و آله اجمعین الطاهرین
 تمت الکتاب بحون الله الملک الوهاب
 بتاریخ ۱۸ صفر ختم بالجیر و الطغر
 سنه احدى و تسعمایه
 هجرية النبویه
 بخط العبد المحتیر خدام الفقیر عبد اللطیف قلندر بن عبد الله بن خضر
 سیرواری اللهم اغفر لمصنعه و صاحبه و ناظره و كاتبه
 و جمیع المؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات
 و سلم تیلما کثیرا کثیرا
 کثیرا
 کم

۱۵۲۱

پایان نسخه خطی